

آقای شانه‌چی  
دانشیار دانشگاه مشهد

ب ۳

شیخ بهائی

شاگردان شیخ

میدانیم که ایران خاصه اصفهان در عهد صفویه مهم‌ترین اعصار طلائی دانش و هنر را می‌گذرانده زیرا علاوه بر توجه بر پادشاهان صفوی بعلم و هنر (تا بآنجا که خود نیز از دانش و بینش بی‌پیرایه نبودند و مجالسی برای بحث و انتقاد و افاده و استفاده ترتیب میداده و خود نیز نظارت مینمودند). نعمت امنیت که خاصه شهرهای مرکزی ایران از آن بهره وافر داشت نقش مهمی در تجمع و پرورش اهل کمال و دانش داشته. و از این مائده فیض الهی شیخ بیش از همه برخوردار بوده. شهرت انتساب وی بدو خاندان بزرگ علمی (پدرش شیخ حسین و شیخ علی منشار) باتبحر و جامعیت خود در علوم و عمر دراز و اسفار عیدیه بممالک اسلامی و بهره از افاضل و اکابر دوران ویرا نابغه زمان ساخته بود چنانکه برای درک محضرش از اکناف شد رحال میشده (۱). (و حضرت اعلی شاهی وجود شریف آن یگانه روزگار را معتتم دانسته ... اکثر اوقات در سفر و حضر بوثاق او تشریف قدوم ارزانی داشته از صحبت فیض بخش مسرور میگرددید) (۲).

با این مزایا معلوم است که فضایی عصر همه از محضر وی خوشمچینی میکرد و بتقرب وی تفاخر مینموده‌اند. بنابراین انحصار تلامیذ وی بعده معدودی که در کتب نامبرده شده مفید حصر نیست. منتهی در بین آنان جمعی از اعلام باین سمت شهرت یافته‌اند.

۱ - سید علیخان مدنی در وصف وی گفته: (الذی ضربت له اکباد الابل والقبلة التي فطر کل قلب علی حبهاء...) (فوائد الرضویه ص ۵۰۲).  
۲ - عالم آراء ص ۱۵۷.

محدث قمی فرماید: (۱) جمع کثیری از علماء در خدمت شیخ بهائی تلمذ کرده‌اند و از علم آنجناب اقتباس نمودند مانند ملا محمد تقی مجلسی... و عالم فاضل کامل نظام‌الدین محمد قرشی صاحب کتاب نظام الاقوال فی احوال الرجال و گویا او همان نظام بن حسام ساوجی است که تتمه جامع عباس شیخ را نگاشته است. و هم از شاگردان شیخ شمرده اند: فاضل جواد (۲) سید ماجد بحرانی (۳) و ملا محسن فیض کاشانی و میرزا رفیع‌الدین نائینی و ملا محمد شریف‌الدین رویدشتی و ملا خلیل قروینی (صاحب شرح کافی) و ملا صالح مازندرانی و شیخ زین‌الدین بن بن محمد بن صاحب معالم و ملا حسنعلی بن ملا عبدالله شوشتری و ملا محمد بن علی عاملی و ملا مظفرالدین علی (که رساله‌ای در شرح حال شیخ نگاشته) و شیخ محمود بن حسام‌الدین جزائری (شیخ روایت فخرالدین طریحی) و شیخ زین‌الدین علی بن سلیمان بحرانی (اول کسی که نشر داده علم حدیث را در بلاد بحرین) و شیخ عبداللطیف عاملی و ابراهیم بن ابراهیم بن فخرالدین عاملی باروزی (که مرثیه‌ای برای شیخ گفته ... الی غیر ذلک رضوان الله علیهم . انتهى) .

از معارف شاگردان شیخ ما صدر المتألهین و ملا محمد باقر سبزواری و شمس‌الدین محمد خاتون آبادی (صاحب شرح اربعین شیخ) اند (۴) .

## || سفرهای شیخ ||

از نعمتهای بزرگی که شیخ متمتع بوده فوائد سفرهای اوست که از ابتدای عمر دارد این مرحله بوده :

ابتدا با پدر و سپس مستقلاً بسیر و گشت بلاد اسلامی (که در آن زمان با تسهیلاتی که خاص عصر شیخ است باز هم کار سهل و آسانی نبوده) طی مراحل نموده .

بخش مهمی از اسباب سهولت این رحلات و اسفار، شهرت و نبوغ علمی شیخ و علاقه شاهان صفوی باین بزرگوار است که در بلاد ایران و عراق کاملاً از وی پذیرائی میشده و حتی پاره‌ای از این اسفار در معیت شاه عباس انجام یافته .

اما سبب مهمتری که طی این مراحل را آسان میساخته بی‌قیدی و درویش مسلکی شیخ است که بیشتر بلاد خارج از ایران را با سادگی و حتی درزی سیاحان و دراویش دیدار نموده. چنانکه

۱- فوائد الرضویه ص ۵۱۱ . ایضا روایات الجنات ص ۶۱۲ .

۲- صاحب شرح خلاصه الحساب (که طبع شده) و مشرح ربذالاصول شیخ که شرح جامع و متمتع و از بهترین کتب اصول فقه است (نسخه‌ای از این کتاب در تملک این بنده است) .

۳- صاحب حواشی اثنی عشریات پنجگانه شیخ .

۴- شرح حال اینانرا در روایات الجنات و فوائد الرضویه و دیگر مدارک میتوان دید و ما برای اختصار از ترجمه آنان صرف نظر نمودیم .

ضمن محاوره با استاد بکری مصری (۱) شیخ بوی گفت: یا مولانا انا درویش فقیر (...).  
 در کیفیت ملاقات وی با شیخ حسن بورینی عالم بزرگ دمشق آمده: فلما حضر البورینی  
 رای صاحب الترجمة بهیئة السیاح... فلم یعبأ به ونحاه عن مجلسه وجلس غیر ملتفت الیه (... (۲)  
 شیخ ابوالوفای عرضی در ترجمه وی گوید: قدم حلب مستخفیافی زمن سلطان مراد بن سلیم  
 مغیرا صورته بصورة رجل درویش (... (۳).

شیخ احمد منینی در لباس مسافرت شیخ گوید: کان متسماً بلبس السیاح (۴).  
 باری، شیخ باین کیفیت بحرین و شام و روم (ترکیه) و مصر و اردن و حلب و حجاز را دیده  
 و در اثناء این اسفار با کثیری از ارباب دانش و حال طرح مخالفت و مصاحبت افکنده و از فیض  
 صحبتشان استفاده ها برده.

شیخ چندین بار بمشهد مشرف شده. اولین بار با تفاق پدر بوده که از آنجا بامر شاه طهماسب  
 بصوب هرات مهاجرت و در آن بلد هشت سال توطن گردید.

تاریخ این سفر ظاهراً در ۹۷۶ یا یکسال قبل و بعد بوده (۵). زیرا در کشکول گوید: کتاب  
 سررا در سال ۹۵۷ در هرات مشاهده کردم. و مسلماً این تاریخ تصحیفی از ۵۷ سن شیخ  
 دو سال بیش نبوده. از جای دیگر عبارت کشکول مستفاده میشود که دوران بلوغ در هرات بود  
 زیرا در وصف گازرگاه هرات گوید: ترکت منحل بها رکابی النحو والتصریف فی الناحیه) که  
 معلوم میشود در اوآن ورود باین شهرستان بدین علوم اشتغال داشته و درست این سنوات مطابق  
 اقامت پدرش عزالدین حسین در این بلده است (یعنی از حدود ۹۷۶ یا ۵ تا ۹۸۴).

سفر دیگر وی در معیت شاه عباس بوده. شیخ در این سفر مدتی در مشهد اقامت داشته چنان  
 که شاگردش سید حسین عاملی (که همراه شیخ در این سفر بوده) تفسیر سوره فاتحه (از تفسیر  
 عروة الوثقی شیخ) و نیز شرح دعای صباح و هلال صحیفه سجادیه را نزد وی قرائت نموده و پس

۱ - شیخ این دانشمند را در قصیده‌ای بمطلع (بامصر سقیالک من جنه قطوفها یا نعه دانیه) ستوده.  
 (رک. کشکول شیخ).

۲ - ۳ - فوائد الرضویه ص ۵۱۵.

۴ - کشکول چاپ مصر (شرح قصیده).

• - تنکابنی در قصص العلماء گوید: در جوانی با پدر بخراسان رفت. در روضات الجنات از سید حسین بن سید  
 حیدر عاملی (شاگرد شیخ) نقل میکند که: من در خدمت شیخ بهرات که سابقاً وی و پدرش در آنجا شیخ الاسلام  
 بودند مسافرت نمودیم (ص ۶۰۵ روضات). و میدانیم که این سفر پس از ده سال از ورود شیخ بایران بوده. زیرا  
 مهاجرت وی پس از فوت شهید ثانی (بسال ۹۶۶) بوده است و چون سه سال اقامت در اصفهان و هفت سال مدت شیخ  
 الاسلامی (دارالسلطنه) قزوین را بر آن اضافه کنیم سال ۹۷۶ بمست میآید که بدستور شاه طهماسب باین بلده  
 (مشهد) و از آنجا بهرات مهاجرت نمودند. افندی در ریاض العلماء (بنقل محدث قمی در فوائد الرضویه ص  
 ۱۳۸ از وی) گوید:

از مدتی در خدمت شیخ بهرات و سپس بمشهد مراجعت مینماید . (۱)  
چنانکه اشاره شد این سفر (بتصریح همین سید حسین) در معیت شاه عباس اتفاق افتاده .  
شاه عباس در حیوة شیخ چند سفر بمشهد مشرف شد. سفر اول وی در سال ۱۰۰۷ و دوم در  
۱۰۰۸ و سوم در ۱۰۱۰ و چهارم در ۱۰۱۶ و پنجم در ۱۰۲۱ بوده است .  
ولی سفری که شاه طبق نذر خود پیاده از اصفهان بمشهد مشرف شد سفر سوم وی و در سال  
۱۰۱۰ بوده (۲) .

اسکندر بیگ تاریخ این سفر را بشرح آورده :

پیاده رفت و شد تاریخ رفتن ز اصفاهان پیاده تا بمشهد  
مدت اقامت شاه در مشهد طی این سفر نسبتا زیادتربوده چون بتصریح (عالم آراء): ماه  
رجب وشعبان ورمضان را که اشهر حرم ولیالی متبرکه بود... در روضه منوراحیاء داشته از اول  
شام تا طلوع آفتاب بخدمت خادمی و سرشمع گرفتن پرداخته دقیقه ای ازدقائق خدمتگذاری فرو  
گذاشت نمیکردند (۳) .

این سفر حسب بندری که شاه کرده بود انجام شد (۴) .  
ولی شیخ ظاهرا سفر دیگری که آنهم در ملازمت شاه عباس بوده بمشهد مشرف شده است.  
زیرا در کشکول (درصدر یکی از غزلیات فارسی خود) چنین نوشته: (در محرم ۱۰۰۸ در اثنای  
بازگشت از سفر مشهد) وچنانکه اشاره شد یکی از سفرهای شاه عباس بمشهد در سال ۱۰۰۷ وقوع  
یافته. بنابراین شیخ که در ابتدای سال ۱۰۰۸ مراجعت نموده میبایست سفرش در همین سال (۱۰۰۷)  
و قهرا در ملازمت شاه صورت گرفته باشد (۵) .

#### ۱ - روضات الجنات ص ۶۰۵ .

۲ - سفر دیگری شاه در سال ۱۰۲۱ از راه دماوند و لار و فیروزکوه بمشهد حرکت و در این سفر صحن عباسی را  
بدینگونه که مشاهده است ساختمان وخیابان صفوی (نادری) را احداث و نهر چشمه کلسب (چشمه گیلاس معروف)  
را در آن جاری ساخت و پس از انجام این مهم گنبد خواجه ربیع و بقعه قدمگاه را ساختمان نمود .

۳ - عالم آراء ص ۶۱۱ .

۴ - چون حضرت اعلی شاه ی ظل اللهی نذر فرموده بودند که یک مرتبه از دارلسلطنه اصفهان پیاده بزیرت روضه  
مقدس مطهر حضرت امام الجن والانس روند، در این سال اراده خاطر اشرف بآن متعلق گشت که آن نذر را یوقا  
رسانیده بدان سعادت عظمی فایز گردند (.....) عالم آراء ص ۶۱۰ .

۵ - در اینجا لازمست بسهوالقلم استاد نفیسی (در کتاب احوال و اشعار شیخ ص ۳۷) اشاره کنیم :  
استاد گوید: در پائیز ۱۰۰۸ با شاه عباس پیاده از اصفهان بمشهد رفته و این سفریست که شاه عباس نذر کرده  
بود پس از شکست دادن عثمانیان پیش گیرد) .

این عبارت از چند جهت نادرست است: اولاً سفری که شاه پیاده از اصفهان بمشهد نمود در ۱۰۱۰ بوده ،  
(رک: عالم آراء ص ۶۱۱) . ثانیاً در این سفر فقط شاه و دونفر از ملازمین (که در عالم آراء نام برده) پیاده راه  
می سیردند و سایرین سواره طی طریق مینمودند . ثالثاً بتصریح عالم آراء در سفر سال ۱۰۰۸ (یورش خراسان در  
بقیه در صفحه بعد

شاه عباس را در این سفر علاوه بر عزم زیارت و استمداد از امام همام (بیورش خراسان در ضمیر الهام پذیر تصمیم یافته) بود. زیرا خراسان مدتها مورد حملات ازبک قرار گرفته و شاه بواسطه تمسیت امور داخلی نمیتوانست بهمم این خطه پردازد (۲) قضا را در این سال عبداللهمخان ازبک نیز فوت وزمینه برای قلع و قمع بازماندگان ازبکها کاملاً مهیا بود. لذا شاه از راه مازندران و بسطام حرکت و (بتاریخ ۲۴ شهر ذی الحجه در کنار رودخانه شهرطوس ترو لاجلال و... روز دیگر... احرام طواف مرقد منور حضرت امام ثامن ضامن که مطاف مسبحان ملاء اعلی و سجده گاه کروییان عالم بالاست بسته روانه شدند .

ناتمام



بقیه از صفحه قبل

ضمیر الهام پذیر تصمیم یافته بود) و سفر نذر شاه همان سفر سال ۱۰۱۰ بود. رابعا شکست عثمانی از سال ۱۰۱۲ تا ۱۰۱۶ یعنی مدت پنجسال (ومعروف بیورش پنجساله) بوده. که شاه بشکرانه این فتوحات (نه بعنوان نذر) بمشهد مشرف شد بنابراین سفر مزبور در سال ۱۰۱۶ بوده است نه این سفر (شش سال پیش) و حتی شاه عباس تا سال ۱۰۱۲ هیچگاه بآذربایجان (که طبق قرارداد سال ۹۹۹ بدولت عثمانی واگذار شده بود) سفر ننموده و شهری نگذوده.

۲- شاه طی نامه‌ای مینگارد: بجهت آنکه ما رادرعراق و دارالمرز بعضی گرفتاریها بود او (عبداللهمخان ازبک) در هنگام فرصت مشهد مقدس و بعضی از محال خراسان را متصرف شد.... عالم آراء.